

هستی‌شناسی حسابداری مدیریت در بستر پست مدرنیته (اجراگری، کنشگر - شبکه و کاربردها)

فریدون رهنمای رودپشتی^۱

بابک نژادتولمی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۳۰

چکیده

در پارادایم کارکردگرایی، حسابداری مدیریت همچون ابزار و دستگاه نمادین خنثایی می‌باشد که به بازنمایی بی‌طرفانه می‌پردازد و هستی‌شناسی برآمده از چنین پارادایمی، جدایی واقعیت‌ها از شیوه‌های حسابداری است. در پارادایم‌های نوین منبعث از پست مدرنیته، به رویکرد اجراگری می‌رسیم که بر اساس آن حسابداری با ایجاد مرزهای شناختی که شیوه‌های اجتماعی را در نظریه اقتصادی و مالی جای می‌دهند، نقش‌های قلمروپردازی، واسطه‌گری، قضاوت و ذهنیت‌سازی برای مخاطب را می‌پذیرد. در همین راستا بر پایه نظریه شبکه - کنشگر، حسابداری مدیریت یک کنشگر در تعامل با سایر کنشگران در شبکه‌های درهم‌تنیده از افراد، سازمان‌ها و بازارها است که می‌تواند موجب تغییر در دیگر کنشگران گردد و اجراگری خلاقانه می‌تواند جولانگاهی برای نفوذگری و مداخله‌گری گردد و به تبع آن محاسبات سیاسی برای استدلالات افناعتی در هستی‌شناسی حسابداری مدیریت هویدا شود. در این مقاله بر اساس پژوهشی مبتنی بر تحلیل فلسفی، جامعه شناختی و اقتصادی به هستی‌شناسی حسابداری مدیریت با تأکید بر مقوله اجراگری و نظریه کنشگر- شبکه پرداخته شده است و به سه کاربرد آن در حوزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حرفه‌ای‌گرایی و پاسخگویی نیز اشاره شده است. نتیجه آنکه حسابداری مدیریت در فرایندهای هوشمندانه شبکه‌ای هویت می‌یابد و نمی‌توان در شبکه‌های واقعی از نقش اساسی عناصر مجازی و موضع‌ناپذیر "قدرت و ایدئولوژی" غافل بود.

واژه‌های کلیدی: کارکردگرایی، اجراگری، نظریه کنشگر- شبکه، مجازی‌گرایی^۳، پست مدرنیته، هستی‌شناسی حسابداری مدیریت.

۱- استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات rahnama.roodposhti@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری تخصصی حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات- مدرس دانشگاه (مسئول مکاتبات) babaktoolami@gmail.com

۱- مقدمه

در این تحقیق به هستی‌شناسی رابطه‌ای حسابداری مدیریت بر اساس نظریه‌های مدرن اجراگری و کنشگر- شبکه پرداخته شده و در ادامه مقاله نیز به جنبه‌های کاربردی این نظریات همچون " اجراگری و گزارشگری "، "کنشگر- شبکه و مسئولیت اجتماعی " و "کنشگر شبکه و حرفه‌ای گرای" بررسی گردیده است.

۲- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد فلسفی و علمی به موضوع هستی‌شناسی حسابداری مدیریت پرداخته است. بر این پایه پژوهشگران قصد دارند به تبیین هستی‌شناسی حسابداری مدیریت مبتنی بر پارادایم‌های منبعث از پست‌مدرنیته بپردازند. از جمله رویکردها و نظریه‌های مطرح در این حوزه نیز اجراگری و نظریه کنشگر- شبکه میباشد که با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای شناسایی و بررسی گردیده است و از آنها برای پاسخگویی به سوالات اساسی پژوهش، از جمله "چیستی و چگونگی تاثیرات این نظریات بر حسابداری مدیریت و رهیافت‌های کاربردی این مبانی نظری در مسئولیت‌های اجتماعی، حرفه‌ای گرای و پاسخگویی استفاده شده است.

۳- مبانی علمی و مروری بر پیشینه پژوهش

۳-۱- اجراگری در برابر کارکردگرایی

در یک دیدگاه کارکردگرا، حسابداری غیر فعال است و از پیامدهای اجتماعی ذاتی برخوردار نیست. حسابداری ابزاری است برای تصمیم‌گیری و کنترل و بدین لحاظ در دستان کنشگران انسانی قرار دارد. انسان تصمیم‌گیرنده فردی فعال و با صراحت است. در یک حالت غیرفعال، حسابداری شکلی از بازنمایی است که عدم حضور را به حضور تبدیل می‌کند. و اهداف یا جریان‌های خاص به صورت فضا - زمانی

حسابداری از سویی در ارتباط با سازمان‌ها و ساماندهی و تصمیم‌گیری است و از سوی دیگر در ارتباط با بازارها و پاسخ‌گویی است. در هر دو سو با گزینش و پردازش داده‌ها و تولید اطلاعات، موجب ایجاد گفتمان دانشی خاصی برای مخاطب می‌گردد. از آنجا که طی فرایند همراه با انتخابگری است، بنابراین با اجراگری (خلق بازنمایی) حسابداری مواجه خواهیم شد و به دلیل بازخوردهای متنوع، احتمال مداخله‌گری و تأثیرگذاری وجود داشته و گفتمان قدرت نیز خودنمایی خواهد کرد. از طرف دیگران با وجود تنوع مخاطبین و متاثرین و ارتباطات گسترده و پیچیده، با شبکه‌ای از کنشگران انسانی و غیرانسانی مواجه هستیم که درگیر گفتمان‌های دانش و قدرت هستند. بنابراین حسابداری با حضور در مجموعه‌ای از کنشگر- شبکه‌ها و در فضایی پست‌مدرنیته، با توانش ریخت‌بندی^۴ دانش و ساخت دهی قدرت از طریق تغییر در روابط و ترتیبات اجتماعی - اقتصادی (اجراگری)، در بستر رویکرد پسا اجتماعی^۵ قرار دارد. رویکردی که اجزای آن عبارت است از (لاو، ۲۰۰۴):

- فلسفه: پست‌مدرنیته (تنوع‌نگرشی و اهمیت تفسیر فردی)
- تئوری اجتماعی: مبتنی بر درک عمیق روابط نوین اجتماعی متأثر از تکنولوژی اطلاعاتی، گسترش و شبکه‌ای شدن ارتباطات و سهولت تجربه و حضور در فضاها (متنوع)
- کاربرد تئوری: جامعه دانش‌محور
- سبک‌های تحقیق: "اجراگری" و " شبکه - کنشگر " که از تحقیقات جامعه‌شناسی علم و دانش‌شناسی نشأت گرفته است و می‌کوشد هستی‌شناسی متفاوت دانش‌های مختلف را شناسایی نماید

الگوهای تعامل در بازارها یا فضاهاى مانند بازار در نظر گرفته می‌شود (وسلمن، ۲۰۱۴). به عنوان مثال، صورت سود و زیان را در مورد اعطای وام به شرکتها به گزارشی تبدیل می‌کنند که بر مبنای آن تصمیمی برای پذیرش یا رد یک وام گرفته می‌شود. بنابراین واقعیت به طور مستقل از شیوه حسابداری وجود ندارد. در عوض، واقعیت در درون بازنمایی آن وجود دارد که به صورت خلق است. باید افزوده شود که فلاسفه‌ای چون بودریار برای توصیف عصر حاضر که بصورت مجموعه‌ای شبکه‌ای از نمادها، نشانه‌ها و تاویل‌ها است، فراتر از بازنمایی رفته‌اند و برای "نشانه" مفهوم وانهادگی^۶ را مطرح می‌نمایند که در سطح سومش، مرز تشخیص واقعیت از بازنمایی روشن نیست و به همین جهت واژه فراواقعیت^۷ را بر ساخته است. (نوذری، ۱۳۷۹) و این بر پیچیدگی عملکرد حسابداری و اجراگری آن همچون یک مجموعه نشانگانی می‌افزاید.

با توجه به نظریه شبکه - کنشگر (کالون، ۱۹۸۶؛ لیتور، ۲۰۰۵) حسابداری به عنوان یک کنشگر مفهوم سازی می‌شود که نه تنها به اجراگری از طریق خلق بازنمایی می‌پردازد، بلکه کنشگری بین کنشگران انسانی و غیرانسانی در یک شبکه نیز است، که فعال است و بر روی مجموعه‌ای از انسان‌ها و غیر انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. و به تغییر اعمال و کنشگران انسانی و غیرانسانی در شبکه کمک می‌کند مانند جذب یا دفع سرمایه‌گذار بر اساس سنجها (NPV - EPS). بنابراین بر خلاف نظریه انسان اقتصادی که بر انسان تمرکز دارد، این نظریه بر کنشمندی و تعامل تمرکز دارد.

در دنیای واقعی را بازنمایی می‌کند. سوابق حسابداری اهداف و جریان‌ها را قابل مشاهده نموده و با بازنمایی اهداف و جریان‌ها به انعکاس، ذخیره سازی و انتقال می‌پردازد. دیدگاه کارکردگرای حسابداری و نظریه انسان اقتصادی سازگار است. اقتصاد (سازمانی) کنشگران انسانی را در صف مقابل قرار می‌دهد. به عنوان مثال، در نظریه کارفرما - کارگزار، کارفرما و کارگزار وجودهایی طبیعی هستند که با توجه به منافع خود، منطقی و گاهی اوقات فرصت طلبانه رفتار می‌کنند. بنابراین کارفرما و کارگزار مقدم بر حسابداری هستند و حسابداری به انعکاس واقعیتی می‌پردازد که پیش از حسابداری وجود داشته است و یک ابزار نظارتی برای کارفرما به شمار می‌آید که عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. بنابراین بطور خلاصه چهار ویژگی برای حسابداری مالی و حسابداری مدیریت در بستر مدرنیته قابل شمارش است (رهنمای رودپشتی، بنی مهد و میرسعیدی، ۱۳۹۳):

۱) بیان واقعیت که مستقل از فکر، زبان و عرف اجتماعی است.

۲) اطلاعات حسابداری که یک کالای اقتصادی است.

۳) کارکرد حسابداری در بازارهای رقابتی است.

۴) استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری و تهیه کنندگان این اطلاعات دارای رفتار عقلانی هستند.

در دیدگاه کارکردگرایی به دلیل عدم توجه به احتمالات نگارش حسابداری برای نفوذ به محدودیت‌های فضا - زمانی مورد انتقاد قرار می‌گیرد. یعنی آن که حسابداری نه تنها به انعکاس، ذخیره سازی و انتقال، بلکه به اجرا نیز می‌پردازد. و عملیات با این اهداف و جریان‌ها را نیز امکان پذیر می‌سازد. ممکن است اقتصاد باعث ایجاد انسان اقتصادی گردد. حسابداری واسطه‌ای در تحقق انسان اقتصادی و

۲-۳- عناصر هستی‌شناسی مبتنی بر اجراگری و کنشگر- شبکه

الف- سازمان‌های اجتماعی - فنی

از نظر کالون، شیوه‌های اقتصادی نه تنها زمینه هستی‌شناختی مستقل دنیای اجتماعی را ندارند بلکه بین شیوه‌های اجتماعی و نظریه اقتصادی روابط متقابلی وجود دارد. بطوریکه نظریه اجتماعی به بازنمایی شیوه‌های اجتماعی پرداخته و در آنها مداخله می‌کند و تا حد زیادی، نظریه اقتصادی به تدوین و قالب بندی شیوه‌های اجتماعی می‌پردازد.

طبق این تفکر، حسابداری کنشگر واسطه آوردن نظریه اقتصادی به زندگی است (کالون، ۱۹۹۸). انسان همچون یک موسسه حسابگر و فراتر از انسان اقتصادی، یک نهاد اقتصادی - اجتماعی است که دارای منافع شخصی است و به محاسبه بهینه سازی منافع خود می‌پردازد (کالون، ۲۰۰۷) و آمیزه‌ای متشکل از انسان و غیر انسان مانند ابزار مادی و فنی و متون است (کالون، ۱۹۹۸). چنین شرکت‌های مشارکتی ترکیبی از کنشگران انسانی و غیرانسانی، ظرفیت عمل را فراهم آورده و به اعمال معنا می‌بخشند. بنابراین اجراگری اقتصاد اساساً یک فرایند سیاسی است که از طریق آن انسان اقتصادی شکل گرفته باید به مواد خاصی مجهز باشد: نظریه‌های اقتصادی و الگوها، مقالات، فناوری اطلاعات، کامپیوتر، روش‌های محاسبه و برنامه‌های آماری

کالون (۲۰۰۷) این اجتماع و این محصول مصنوعی را به صورت انسان اقتصادی نسخه 2.0 مشخص می‌کند. نسخه 2.0 همانند نسخه قبلی خود یعنی انسان اقتصادی نسخه 1.0، به مدیریت علمی مرتبط است که توسط فردریک تیلور طراحی شد که از فضای استراتژیک بیشتری برخوردار است.

ب- فضاهای تعامل

نظریه اقتصادی فضاهایی را نیز ایجاد می‌کند که نهادها در آن با یکدیگر مواجه می‌شوند، بنابراین نهادها حسابگر کاملاً از یکدیگر جدا نیستند. این فضاها ممکن است بازارها یا سازمان‌ها باشند؛ و طبق نظریه کارفرما - کارگزار، کارگزار رابط سازمان - قراردادهای بازار - بوروکراسی خواهد بود.

اگرچه به نظر می‌رسد هسته رفتار حسابگر حاصل فرایند انفصال است (میلر، ۲۰۰۵)، کالون تأکید می‌کند انفصال و وابستگی، مشخصه فضاهایی است که در آنها نهادها با یکدیگر مواجه می‌شوند. در این راستا موارد زیر را برای درک وابستگی و انفصال می‌تواند بیان نمود:

*خودرو: وابستگی (توجه دادن به مزایای خودرو) + انفصال (عدم توجه به معایب - آلوده کنندگی و ترافیک گستری)

*فروش سهام: وابستگی (توجه به EPS) + انفصال: (عدم توجه به اثرات زیست‌محیطی یا اجتماعی تحقق چنین EPS)

***بودجه‌بندی: وابستگی (توجه به اهداف عمدتاً مالی بوجه‌ریز) + انفصال (عدم توجه به چگونگی تحقق‌اش و چه بسا با اثرات اجتماعی همچون اخراج کارکنان یا آثار افزایش گرمایشی افزودن ظرفیت تولیدی)

به علاوه، این نهادها و الگوهای رفتاری آنها نهایتاً باید با هزینه‌های عمومی مقابله کنند. به جای در نظر گرفتن هزینه‌های عمومی به عنوان غیرمترقبه، کالون هزینه عمومی را پدیده‌ای تعریف می‌کند که غیر منتظره نبوده اما در عوض یک هنجار و غیر قابل اجتناب است (کریستنسن و اسکارباک، ۲۰۰۷). در حالی که ایجاد چارچوب باعث ایجاد نظم می‌شود، هزینه عمومی باعث ایجاد بی‌نظمی شده و تلاش‌ها در جهت ایجاد چارچوب را به مخاطره می‌اندازد.

ایجاد چارچوب از این لحاظ که ممکن است منجر به موضوعات سیاسی گردد باعث ایجاد نگرانی می‌شود. در عوض پاسخ‌ها به این موضوعات ممکن است بر روی سازمان دارای فعالیت اقتصادی تأثیر داشته باشد (کالون، ۲۰۰۷).

۳-۳- قضیه اجراگری و منتقدان آن

الف- عدم وجود شواهد

ساتوز و رودریگوئز (۲۰۰۹) می‌گویند شواهد مستحکمی وجود ندارد مبنی بر آن که اقتصاد باعث ایجاد انسان اقتصادی می‌شود، بلکه در ایجاد بازار اجرایی است، بنابراین در کالایی شدن زندگی اجتماعی نقش دارد و نکته اصلی مهندسی اقتصادی یا مهندسی اجتماعی نیست، بلکه مهندسی نامتجانس است که کنشگران در شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری بازارها و ساکنان آنها نقش دارند.

فاین (۲۰۰۳) نیز به عدم وجود شواهد اشاره نموده و می‌گوید قضیه اجراگری فاقد یک چارچوب نظری است که بتواند مکانیسم‌های بازی را در سطح خرد رفتار افراد و در سطح کلان منطق اقتصاد بازار و نهادهای اصلی آن تشخیص دهد. این فعالیت عمده اقتصاددانان نیست که باعث ایجاد بازارها می‌شود، بلکه وابسته به شرایط واقعی است که باعث عملکرد بازارها می‌شود.

ب- مجازی گرائی

میلر (۲۰۰۵) ادعا می‌کند که بازارها بر مبنای اظهارات نظری تحقق نمی‌یابند بلکه فقط در دنیای مجازی وجود دارند که مستقیماً به قدرت گفتمان خود مربوط می‌شوند. بازار یک الگوی ایدئولوژیک (برخلاف نظر کالون در ایجاد فضای واقعی بین نهادها) بوده و به یک پدیده تجربی و یک شیء واقعی تبدیل نمی‌شوند. سرمایه داری اقتصادی- سازمانی بازارهایی را فرض می‌کند که در آنها نهادهای

حسابگر برای محاسبه سود، به حداکثر رساندن ارزش سهامدار، کاهش تولید یا توزیع هزینه‌ها سازماندهی شده‌اند. بنابراین پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا سازمان تجاری می‌تواند به اندازه کافی درگیر همه دغدغه‌های ذینفعان گردد.. صندوق بین‌المللی پول (IMF) در پشت مشاوران مدیریت قرار دارد که به طراحی شرایط سرمایه داری خالص می‌پردازد که کشورها باید از آنها پیروی نموده یا به خاطر مخالفت با آنها مجازات گردند.

از نظر کالون، هیچ حقیقتی وجود ندارد که بتوان در مقابل دنیای مجازی اقتصاد قرار داد. اقتصاد و حسابداری هر دو درگیر پویایی مبارزه بر سر قدرت هستند. هدف نهایی علوم اجتماعی مشارکت در پروژه‌های مختلف انسان شناسی است که تلاش می‌کنند مفاهیم خود و اجرای آنها را اعمال کنند (کالون، ۲۰۰۵).

ج- عدم امکان تحقیق بی‌طرفانه

کالون مورد انتقاد قرار گرفته است که نمی‌تواند در مطالعات انتقادی به خصوص موضوعات استدلال ابزاری و روابط نامتقارن قدرت، به پژوهش خنثی بپردازد. در اجراگری و در رویکردهای نظریه شبکه - کنشگر در واقع، واقعیت مانند خلق بازنمایی است. این موضوع تولید دانش را به یک فرایند سیاسی تبدیل می‌کند. البته محاسبات فقط سیاسی نیستند بلکه از لحاظ هستی‌شناختی سیاسی هستند که هر زمان ادعاهای واقعی در علم مطرح می‌کنیم، موجب می‌شویم واقعیت اجتماعی کمابیش واقعی جلوه کند (لاو و یوری، ۲۰۰۴).

رابرتز (۲۰۱۲) نیز می‌گوید که کالون به قدرتهای مجازی زیربنایی شکل‌گیری تاریخی-اجتماعی سرمایه داری و نتولیرالیسم مربوطه توجهی نمی‌کند. یعنی به پتانسیل‌ها، قدرت‌ها و ظرفیت‌های اساسی سیستم تاریخی که در یک افق هستی‌شناختی به یکدیگر باز

ب- محاسبه به عنوان یک واسطه در سازمان ها کیورز و همکارانش (۲۰۱۲) نشان داده اند که چگونه شیوه واقعی استدلالی پاسخگویی مبتنی بر نتایج در شیوه‌های جامعه مداخله می‌کند (گزارشگری مالی در حسابداری مالی و گزارش های سنجش مسئولیت و یا بودجه‌بندی و سایر ابزارها در حسابداری مدیریت) و با پدیده هایی تعامل دارد و آنها را شکل می‌دهد یعنی موجب شکل گیری مجدد سازمانهای جوامع می‌شود (وسلمن، ۲۰۱۴).

بنابراین، پاسخگویی مبتنی بر نتایج صرفاً به ایجاد یک دنیای مجازی نمی‌پردازد، در واقع نه تنها بازنمایی ناقص و مخدوشی از شیوه ها را ارائه می‌کند بلکه در عین حال در شیوه ها مداخله نیز می‌نماید و بنابراین پاسخگویی مبتنی بر نتایج اجرایی است که حسابداری از ابزارهای تحقق آن است و در ادامه این فرآیند پاسخگویی، بازخوردها مطرح می‌گردد که باز با تمسک به نظریه کنشگر-شبکه، کنشگران گوناگونی به ایفای نقش می‌پردازند، چه کنشگران در طرف پاسخ خواهان و چه در طرف پاسخ دهندگان و در این کارزار، عنصر قدرت در کنار عنصر دانش نمایانده شده از طریق پاسخگویی، قابل ردیابی و مداخله‌گری است.

لذا کنشگران شبکه، فعالانه و به طور مؤثر به مدیریت عملکرد و انتظارات پرداخته و در نتیجه فرایند گزارشگری پایدار باقی می‌ماند. اگرچه ابداع پاسخگویی را می‌توان به عنوان ابزار برقراری ثبات دموکراسی در نظر گرفت، ولی ضرورتاً ناشی از همگنی کنشگران نیست.

ج- حسابداری ابزار استیلای مالی گرایی

در حالی که کالون موقعیت مفهوم اجراگری را در فرایند اقتصادی شدن مشخص می‌کند، کوشن (۲۰۱۳) به بررسی اجراگری در زمینه مالی گرایی پرداخته است. مشخصه مهم مفهوم اجراگری آن است که یک

می‌گردند و نمی‌توان تا حد زیادی این سیستمها را موضعی کرد، چرا که آنها غیر موضع پذیر هستند.

۳-۴- شواهدی از زمینه‌های حسابداری در اجراگری و شبکه - کنشگر

تحقیقات حسابداری موجود شواهد ذهنی را در مورد اجراگری اقتصاد ارائه می‌دهند. تحقیق میلر در مورد مکانیسم‌هایی که از طریق آنها تکنیک‌های تنزیل جریان نقدی در انگلستان در دهه ۱۹۶۰ ترویج یافتند بدون اشاره به نظریه شبکه - کنشگر یا نظریات کالون، نمونه اولیه قدرت واسطه‌ای حسابداری در آوردن فرضیه‌های رفتاری نئوکلاسیک به زندگی را ارائه می‌کند.

الف- حسابداری به عنوان یک واسطه در بازارها

بازارهای مالی به عنوان سازمانهای اجتماعی - فنی در نظر گرفته می‌شوند. محاسبه پذیری و تعیین ارزش در کار چنین بازارهایی امری ذاتی هستند که ثبات نسبی به این نهادها اعطا نموده و موجب می‌شوند آنها در جامعه جریان یابند و بنابر ساختار شناختی انسان اقتصادی، رفتار مبتنی بر منفعت شخصی و ترس از افت بازار، حسابداری با شناسایی یا جدایی سود در جریانی از معاملات باعث ایجاد انگیزه شده است و با پنهان کردن انواع مخاطرات اخلاقی و اجتماعی و تکیه بر سود، حضور را به عدم حضور تبدیل کرده است (رابرتز و جونز، ۲۰۰۹). مانند مهندسی انتظارات با سنجه‌هایی همچون سود حسابداری، EPS بازده، کارایی و بهره‌وری (بی احتساب هزینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی در این مفاهیم) و یا با شاخص های کلان سرانه (هزینه بهداشت یا آموزش یا فضای آموزش و غیره که سهم واقعی همسانی آحاد جامعه) و نرخ های کلان‌بیکاری - تورم که با چالش پذیری و چگونگی تعریف، مبانی محاسبه، اتکاپذیری داده و غیره مواجه است.

می‌کند از جمله: تغییرات مداوم لازم الاجرای شرکت گروه در محصولات و خدمات، طرحهای افزایش درآمد، برون سپاری، متمرکز سازی، سازماندهی های مجدد و کاهش مداوم هزینه‌های عملیاتی.

۴- یافته های نظری پژوهش

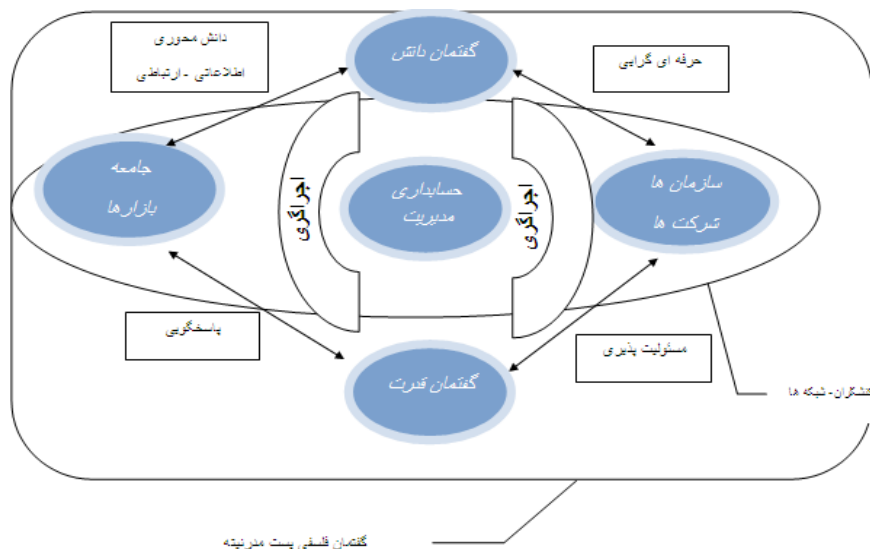
با توجه به آنچه تا کنون اشاره شده است می‌تواند در یافت که حسابداری مدیریت از طرفی در سازمانها و از طرف دیگر در بازارها و کل جامعه، بعنوان یک کنشگر- شبکه در مجموعه ای از کنشگران- شبکه‌ها، در بستر دو گفتمان غالب فوکویی (گفتمان دانش - گفتمان قدرت)، به ایفای نقش و اجرا گری می‌پردازد. سوالی که مطرح میشود آن است که این روایت نظری هستی شناسانه با مفاهیم عملی، همچون حرفه‌ای گرای، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پاسخگویی، چگونه پیوندی دارد، که در ادامه با توجه به چارچوب مفهومی زیر (شکل ۱) به آن پرداخته میشود.

تعامل جمعی فراتر از دنیای آکادمیک است. بنابراین نقش کل اقتصاد کاملاً سیاسی است.

کوشن (۲۰۱۳) اشاره میکند که مالی گرای مانند اقتصادی شدن به عنوان یک پدیده اجرایی باعث افزایش نقش حسابداری در سازمانها می‌گردد. مالی گرای به نقش بسیار مهم بازارهای مالی، کنشگران مالی و انگیزه‌های مالی در زندگی روزمره اشاره می‌کند. کوشن به بررسی آن پرداخته است که چگونه اجراگری مالی با ارائه سود و نهایتاً الگویی برای ایجاد ارزش سهامدار تعریف شود و از طرق مختلفی همچون بودجه‌ها، محاسبات بازگشت سرمایه و الگوی بهینه به ایجاد سازمان‌های اجتماعی - فنی (سازمان‌های محاسبه‌ای) کمک می‌کنند که به شرح‌های خوشبینانه مالی گرای بپردازند.

- بودجه‌ها باعث می‌شوند ساختارها و شرح‌هایی که به اولویت بندی منافع سرمایه‌گذاری در سطح حاکمیت شرکتی می‌پردازند، در داخل سازمان تکرار شوند. شیوه‌های بودجه‌بندی به عنوان مکانیسم‌هایی عمل می‌کنند که از طریق آنها این مداخلات اجراگری منتقل شده و توسط سطوح سلسله مراتبی پایین‌تر ارائه می‌شوند و مشخص می‌کند که چگونه بودجه‌بندی باعث ایجاد اسناد رفتاری شده و اهداف عملیاتی کاملاً دست یافتنی پنداشته می‌شوند و مدیران سطح پایین تر باید سازگار و ساکت باشند.

- برای تضمین سرمایه‌گذاری از جانب شرکت گروه، مدیران باید به طور مداوم هزینه‌های تابعه را توجیه نموده و کاهش دهند، شرح‌های خوشبینانه را ایجاد نموده و به هرم مداخلات اجراگری دست یابند بنابراین حسابداری به ایجاد استیلای اجرایی برنامه مالی گرای از طریق مداخلات اجراگری کمک



شکل (۱): ارتباط گفتمانهای قدرت - دانش و نظریات اجراگری و کنشگر-شبکه با مفاهیم حرفه‌ای گرایی، مسئولیت پذیری و پاسخگویی

انسانی و سازمانی، مجموعه‌ای بهم پیوسته و شبکه‌ای از کنشگران انسانی و غیرانسانی است. بنابراین برای رسیدن به اهداف نشانه گذاری شده در مسئولیت‌های اجتماعی، نیازمند خلق کنشگر - شبکه حسابداری مدیریتی می‌باشد که با سازو کارهای سستی حسابداری مدیریت تفاوتی دارد (پیبیان و کزارنیاسکا، ۲۰۱۰)، از جمله:

- ۱) مذاکره گرایی با کنشگران مقاوم در تضادها
- ۲) ایجاد همبستگی‌های نوین و آگاهی بخشی به تاثیرات پیچیده عدم هماهنگی درون شبکه
- ۳) باز تعریف نقش‌ها برای تحقق عملی اهداف و اینکه اثر کنشگران انسانی و غیرانسانی منحصر بفرد است و در عصر شبکه‌ای حاضر از تعبیر ماشین بجای انسان، فرارفته ایم.
- ۴) حرفه‌ای‌گراتر عمل کردن و دوری از مداخلات سیاسی
- ۵) بکارگیری ابزارهای ترجمه ایده به عمل، علاوه بر زبان اعداد، برای کنشگران شبکه

۴-۱- کنشگر- شبکه و مسئولیت اجتماعی حسابداری مدیریت (تحقق ایده‌ها در عمل)

فلسفه وجودی حسابداری مدیریت کمک به مدیران در تصمیم گیری درست است و از تصمیمات مهم برای شرکتها و موسسات، تعیین اقدامات مناسب در جهت تحقق مسئولیتهای اجتماعی خود میباشد که باید از ایده به عمل تبدیل گردد. مفهومی که امروزه با تئوری ذینفعان پیوند ناگسستنی داشته و در مباحث حاکمیت شرکتی اولویت اساسی دارد. اهمیت این موضوع آنچنان است که کنشگران مهم جهانی همچون سازمان ملل، سازمان بهداشت جهانی، سازمان بین المللی کار و غیره دست اندرکار آن هستند و حتی مدل‌های کسب و کار همچون EFQM نیز به آن پرداخته اند. بنابراین با توجه به مختصات فضا- زمانی، تعریفی از حسابداری مدیریت باید مدنظر قرار گیرد که تحقق مسئولیت پذیری را ممکن و تسهیل نماید که تعریف حسابداری مدیریت همچون "تکنولوژی" پیشنهاد گردیده است (پیبیان و کزارنیاسکا، ۲۰۱۰). تکنولوژی در تعریف نوین آن، بصورت مجموعه‌ای از ابزارهای فنی، اطلاعاتی،

- ۶) بازآرایی ابزارهای حسابداری مدیریت همچون بودجه از ابزار صرفا کنترلی به ابزار انگیزشی-اطلاعاتی برای مدیریت داخلی
- ۷) بازنگری در سیستم اطلاعاتی از نظر رفع نیاز همه کنشگران شبکه و نه صرفا مدیران و طبعا گسترش آن از سیستم اطلاعاتی مالی به سیستم اطلاعاتی مالی-اقتصادی-اجتماعی
- ۸) توجه به شایستگی بیش از پیش کنشگران (انسانی و غیرانسانی) و بروز بودن بر اساس دانش و فن روز و توجه ویژه به آموزش مهارت‌های تعاملی کنشگران انسانی
- ۹) با وجود پیچیدگی شبکه حسابداری مدیریت و تعاملات بین شبکه‌ای آن با سایر شبکه‌های جامعه از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و حقوقی، توجه به عدم قطعیت و لحاظ احتمال مغایرت نتایج و انتظارات و پیش بینی راهکارهای متناسب، منطقی است.
- بنابراین با توجه به ملازمات قدرت سازمان‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی آنها و با توجه به رخداد اجراگری در بین مجموعه شبکه‌ای از کنشگران، دو مفهوم و دو انتظار از سازمانها و شرکتهای بطور طبیعی پدیدار می‌گردد، که عبارتند از: حرفه‌ای‌گرایی و پاسخگویی که در زیر به آنها پرداخته شده است.
- ۲-۴- کنشگر- شبکه، حسابداری مدیریت و حرفه‌ای‌گرایی**
- در فضای رقابتی اقتصاد جهانی^۸ از طرفی و مسئولیت‌های اجتماعی سازمانها از طرف دیگر، حرفه‌ای‌گرایی از انتظارات اولیه از سازمانها و شرکتهاست و در این موضوع، 3c شامل
- مفاهیم (Concepts): برترین و آخرین دانش و ایده‌ها
 - شایستگی (Competence): توانایی اجرای عملیات با بالاترین استانداردها
 - ارتباطات (Connections): بهترین روابط موجب دسترسی به منابع انسانی و غیرانسانی و بازارها از عناصر کلیدی می‌باشد (بریز و چوا، ۲۰۰۱). با کمی تعمق در این عناصر، پدیده "تغییر" اهمیت اساسی می‌یابد که ملاحظات مهمی را باید برای تغییر مطلوب در نظر گرفت، از جمله:
- الف- شبکه ناهمگون از کنشگران**
- تغییر، پیامد "برهم کنشها (تعاملات)"^۹ بسیار زیاد، متنوع و پویا بین شبکه‌های محلی و بین المللی است، بعنوان مثال، گسترش مفاهیمی همچون ABC در یک کشور پذیرنده، از کنفرانسی آغاز میشود و سپس در کتابها و بعدتر در کسب و کار برای تحقق آن تلاش میشود و یا مفاهیمی چون JIT و TQM از ارتباط با ژاپنی‌ها آموخته شد و تغییر را تحقق بخشید. البته این تعامل شبکه‌ای، ملازماتی نیز دارد، مانند: تغییر در زیربنای فراسازمانی حسابداری مدیریت، حمایت سطح بالای مدیریتی و همه عوامل سطوح پایتترو غیره. باید افزود که البته کنشگران محلی با نهادینه سازی مفاهیم نوین، به شبکه بین المللی می‌پیوندند و تاثیر گذاری و تاجر پذیری بیشتر و سطح کنشگری بالاتری را تجربه خواهند کرد و در فضا- زمان پست مدرن جهان کنونی تغییرات لزوما ریشه محلی ندارد
- ب- اهداف کرانمند**
- برای تحقق مطلوب تغییر باید اهداف کرانمندی در نظر گرفته شود. کرانمندی ملاحظات متفاوتی دارد همچون:
- لحاظ محدودیت‌های ارکان تکنولوژی حسابداری مدیریت (تکنیکی، اطلاعاتی، انسانی و سازمانی)، بعنوان مثال وقتی در سازمانی قرار بر اجرای ABC باشد، طبعا باید سیستم اطلاعاتی مورد نیاز

هدف چابکی باید ساماندهی چابکی و برای ناب باید ساماندهی ناب صورت پذیرد) و اینجاست که پاسخگویی در بستر رویکرد پسا اجتماعی و مبتنی بر اجراگری و کنشگر- شبکه، دارای ویژگی هایی است: (۱) پاسخگویی مبتنی بر سازمان و بخش های سازمان به پاسخگویی مبتنی بر ساماندهی و فعالیتهای این ساماندهی تغییر می یابد.

(۲) از آنجاکه حسابداری باعث ایجاد محاسبه پذیری به شیوه های استراتژیک و عملیات در بازارها و سازمانها شده و از طرفی به ایجاد و حفظ روابط بازار پرداخته و از تصور رفتار منطقی فردی حمایت می کند و نیز با ایجاد شاخص ها و سنجش های عملکرد ممکن است باعث تغییر بهره وری و پاسخگویی گردد، بنابراین ایجاد چارچوب های محاسبه پذیری موجب شکل گیری استراتژی ها و کنشگران استراتژیک جدید می گردد (وسلمن، ۲۰۱۴).

بنابراین در تمام موارد، گزارشگری حسابداری اجرایی است، نه تنها به این معنا که باعث ایجاد بازنمایی می شود بلکه به این معنا که در دستن افرازی قرار دارد که از طریق استراتژی های استدلالی تلاش می کنند سایرین را متقاعد سازند که بازنمایی های حسابداری منعکس کننده واقعیت (مطلوب) هستند، و از طریق شیوه های واقعی - استدلالی و ایجاد کنش ها برای کنشگران، مداخله می کند. بدین لحاظ، بررسی مطالعات از ادعای کالون حمایت می کنند مبنی بر آن که اجراگری اقتصاد نتیجه ساده گفتمان هایی نیست که نشان دهنده ایدئولوژی ها، ارزش ها و باورهای خاصی هستند، بلکه نتیجه مبارزات بر سر قدرت در شبکه های واقعی هستند که در آنها اقتصاد و حسابداری با یکدیگر در تعامل اند و حسابداری مانند یک کنشگر انسانی و غیرانسانی در شبکه، نه تنها عدم حضور را با آشکارنمایی منافع و مطلوب ها به حضور

این سیستم هم آماده گردیده شود شامل شناسایی فعالیتها، محرکها و غیره. اگر چنین امکانی تدارک دیده نشده باشد، انتظار تغییر غیر منطقی است.

• اجرایی بودن اهداف: در آغاز طرح، پیاده سازی در مقیاس کوچکتر و سپس گسترش آن به تحقق آن کمک میکند.

ج- موفقیت یا شکست

عوامل بسیاری در نتایج اجرای طرح مورد نظر دخالت دارند از جمله یکپارچگی متقارن کنشی کنشگران شبکه پذیرنده و این همگنی از سطوح ارزشی و نگرشی تا سطح عملیاتی را شامل می گردد. البته باید افزود که پیش از پیاده سازی و اجرای درست کار، باید کار درست بررسی شود و بنابراین بین شکست در اجرای درست و شکست در انتخاب درست، تفاوت قایل شد.

۴-۳- اجراگری، حسابداری مدیریت و پاسخگویی

بررسی مطالعات حسابداری و پاسخگویی مبتنی بر اجراگری آنچنانکه در ادبیات نظری مقاله اشاره شده است، نشان می دهد که حسابداری صرفاً چیزی را ارائه نکرده و مانند آینه نیست، بلکه مانند یک بازنمایی، ایجاد می شود و علاوه بر بازنمایی به مداخله نیز می پردازد؛ بازنمایی و مداخله در هم تنیده شده اند. بررسی ریشه ای تر این موضوع به " سازمان " و " ساماندهی " بر میگردد. بر پایه تئوری سیستمها، سازمان موجب ساماندهی است و حال آنکه با توجه اجراگری و کنشگر- شبکه، ساماندهی موجب سازمان میگردد (کزانیوسکا، ۲۰۱۱). و در اینجا بر اساس ساماندهی مختلف، پویایی سازمانی و اجراگری آن قابل درک است که با توجه به مقتضیات شبکه ای برای بقا، با بازسازمندی^{۱۱} متناسب، سازمان متفاوتی را می آفریند (لاو، ۲۰۰۴). بنابراین برای هدف خاصی، ساماندهی خاصی نیاز است (برای

کنشگران، باید شبکه‌ای پویا و روزآمد را برای هم‌اوردی، ساماندهی نمایند.

۵- نتیجه‌گیری و بحث

حسابداری با حضور در مجموعه‌ای از کنشگر- شبکه‌ها و در فضایی پست‌مدرنیته، با توانش ریخت‌بندی دانش و ساخت‌دهی قدرت از طریق تغییر در روابط و ترتیبات اجتماعی - اقتصادی (اجراگری)، در بستر رویکرد پسا اجتماعی قرار دارد.

چهار نقش حسابداری عبارتند از: قلمرو پذیری، واسطه‌ای، قضاوت و ذهنی‌سازی (میلر و پاور، ۲۰۱۳).

قلمرو پذیری: حسابداری به قلمرو پذیری کمک می‌کند به این معنا که به صورت بازگشتی فضاهای محاسبه‌ای را ایجاد می‌کند.

واسطه‌گری: حسابداری واسطه بین اقتصاد و هدف رفتار کارآمد جهت دار سازمانهای محاسبه‌ای است و از طرف دیگر حسابداری کنشگران و فضاهای مختلف را به اظهارات نظریه اقتصادی مرتبط می‌سازد.

قضاوت: حسابداری با ارزیابی، تاثیرات انگیزشی و با تعیین نقاط ضعف و شکستها به قضاوت می‌پردازد.

ذهنی‌سازی: حسابداری در قویترین مفهوم خود به ذهنی‌سازی می‌پردازد به این معنا که به ایجاد نسخه جدید از انسان اقتصادی کمک می‌کند و به فراوری دانشی برای مخاطب یاری میرساند که در این راستا سیاست در روند تولید دانش قرار دارد که به انتخاب‌ها و ایجاد شبکه‌های متعدد واقعی مرتبط است که به عنوان مثال از طریق آنها آموزش و موضوعات مربوطه حسابداری و پاسخگویی اجرایی می‌شوند از جمله مباحثی گوناگون در حسابداری مدیریت همچون ارزیابی عملکرد و یا ارزیابی پروژه

تبدیل می‌کند بلکه در تبدیل حضور به عدم حضور با پنهان‌نمایی مخاطرات اخلاقی و اجتماعی نیز نقش دارد (وسلمن، ۲۰۱۴) و در همین راستاست که نظریات بودریار در مورد وانهادگی و قدرت منتشر شده در بین شبکه-کنشگران نیز قابل‌تامل است که مفهومی امروزی و فراتر از قدرت در مفهوم تمرکز یافتگی در اندیشه فوکو است (احمدی، ۱۳۷۹). از طرف دیگر با رهیافتهای نوین هرمنوتیک از آیزر و یاس، که در غیبت نویسنده، خواننده، خالق اثر است که به آفرینش معنا می‌پردازد (احمدی، ۱۳۷۸)، نقش بی‌بدیل مخاطب در دریافت، پردازش و خلق مفهوم و تصمیم‌گیری، مشخص می‌گردد و در اینجا است که اجراگری خلاقانه می‌تواند فراتر رود و جولانگه‌ای برای نفوذگری و مداخله‌گری گردد تا برای مقصد خاصی، مفهوم تکنیکی به ذهن مخاطب گزارش‌ها متبادر گردد، و مانع تاویل و آفرینش‌گری گردد و اثر غیاب را بزدايد. بنابراین محاسبات سیاسی برای استدلالات اقناعی در هستی‌شناسی حسابداری مدیریت هویدا می‌گردد و با واژگان فوکویی، گفتمان قدرت در ایجاد گفتمان دانش که همبسته همیشگی هم هستند (احمدی ۱۳۷۷)، ایفای نقش موثری را بعهده می‌گیرد و نقش‌هایی همچون قلمرو پردازی، واسطه‌گری، قضاوت و ذهنی‌سازی برای حسابداری مدیریت قابل‌تصور است (میلر و پاور، ۲۰۱۳).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پاسخ خواهان باید به دنبال حضور قدرتمندانه در شبکه-گشگرهای فضا-زمان خود باشند تا پاسخگویی با کمترین اجراگری ممکن شود. این نتیجه‌گیری برای پاسخ دهندگان و گزارشگری آنان (سازمان و حسابداری مدیریت) نیز پیام آور است که این اجراگری را در درون شبکه خود (درون سازمانی) نیز پیش نمایند و برای حضور قدرتمندانه در شبکه -

در حوزه مسئولیتهای اجتماعی، با توجه به کنشگر - شبکه، تعریفی از حسابداری مدیریت همچون "تکنولوژی" بصورت مجموعه ای از ابزارهای فنی، اطلاعاتی، انسانی و سازمانی در قالب شبکه‌ای از کنشگران انسانی و غیرانسانی با همبستگی های نوین باید مدنظر قرار گیرد، که طی این مسیر را ممکن و تسهیل نماید مانند ایجاد نظام حرفه‌ای با قدرت اجرایی کافی با پوشش آحاد اعضای حرفه در هر سطحی و یا ایجاد موسسات بزرگتر در حرفه با ادغام که تاثیرات عمیقی از جنبه‌های مختلف همچون آموزشی - نظارت - کیفیت - امنیت مالی و غیره دارد. در حوزه حرفه‌ای گرایی هم با توجه به رقابت جهانی و مسئولیت‌پذیری، و از منظر نظریه کنشگر- شبکه، به عناصر 3C شامل مفاهیم، شایستگی و ارتباطات و روزآمدی آنها توجه شود و در این راستا، تغییر ارزش آفرین (در سطح راهبردی تا عملیاتی) در بستر اخلاق حرفه‌ای و توجه به مسئولیتهای اجتماعی، اهمیت خاصی می یابد که در شبکه ناهمگونی از کنشگران متعدد، باید صورت پذیرد و اصل مهم عدم قطعیت نیز مدنظر قرار گیرد.

فهرست منابع

- * احمدی، بابک (۱۳۷۷) مدرنیته و اندیشه انتقادی. نشر مرکز، ۲۰۷-۲۵۴
- * احمدی، بابک (۱۳۷۸) ساختار و تاویل متن. نشر مرکز، ۶۸۰-۷۰۸
- * رهنمای رودپشتی، فریدون، بنی مهد، بهمن و میرسعیدی، سید جعفر (۱۳۹۳)، مدرنیته و حسابداری مدیریت، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۲، ۱-۱۲
- * نودری، حسینعلی (۱۳۷۹) صورتبندی مدرنیته و پست مدرنیته. انتشارات نقش جهان، ۲۴۶-۲۵۵

ها که مساعد بودن و اقناع‌گری در ذاتشان است، بنابراین محاسبات حسابداری نه تنها از لحاظ هستی شناختی، رابطه‌ای هستند، بلکه از لحاظ هستی شناختی، سیاسی نیز هستند همچون اعتبار یک روش ارزشیابی سرمایه گذاری همچون NPV نسبت به یک قضاوت شهودی؛ بنابراین واقعیت به سیاست مرتبط است و بالعکس.

البته باید خاطر نشان کرد که نقش سیاست در حسابداری مدیریت در فضای جداگانه ای قرار نداشته و بر شیوه ها مقدم نیستند، اما در شیوه‌های عینی در شبکه‌های اجتماعی پراکنده صورت می گیرند. سیاست به جای آنکه برای حسابداری مدیریت قانون برتر باشد، تبیین خواه است. حسابداری مدیریت در شبکه‌های واقعی با سایر کنشگران انسانی و غیرانسانی به تعامل پرداخته و قلمرو ایجاد نموده، واسطه بوده، قضاوت نموده و ذهنی سازی می کند (میلر و پاور، ۲۰۱۳) و برپایه این هستی‌شناسی رابطه ای، حسابداری مدیریت فی نفسه یک ماهیت نبوده بلکه فقط می تواند در فرایندهای هوشمندانه در شبکه‌ها و درهم تنیدگی قدرت (سیاست) و دانش هویدا گردد. بنابراین این موضوع روشن می سازد که سیستم های مجازی و غیر موضوع پذیر (غیرقابل تعین قطعی) ایدئولوژی و قدرت اساس کار شبکه‌ها هستند.

رهیافتهای کاربردی این مباحث آن میشود که در حوزه گزارشگری و پاسخگویی، به ساماندهی مبتنی بر فعالیتهای ارزش آفرین توجه شود و پاسخ خواهی نیز، فعالیت محور باشد و سازمانها به دنبال روزآمدی و پویایی برای حضور مقتدرانه در شبکه - کنشگران و از طرف دیگر پاسخ خواهان به دنبال افزایش توان گفتمانی خود (دانش و قدرت) در شبکه‌های کنشگران باشند.

- * Latour, B. (2005) Reassembling the social. an introduction to Actor- network theory. Oxford: Oxford University Press
- * Law, J. (1999) After ANT: complexity, naming and topology. Actor-network theory and after. Oxford: Blacwell Publishers, 1-14
- * Lowe, A. (2004) Postsocial relations. Accounting, Auditing and Accountability Journal, 17(4), 604-628
- * Milerr, D. (1998) A theory of virtualism: A new political economy. Oxford: Berg, 187-215
- * Milerr, D. (2005) Reply to Michael callon. Economic Sociology, 6(3), 2-13
- * Milerr, D. and power, M. (2013) Accounting, organizing and economizing: connecting and organizational theory. Academy of Management Annals, 7(1), 555-603
- * Pipan, T. (2010) How to construct an actor-network: management accounting from idea to practice. Critical Perspectives on Accounting, 21, 243-251
- * Roberts, J. And Wilson, N. (2012) Against economic (mis)conceptions of the individual: constructing financial agency in the credit crisis. Culture and Organization, 18(2), 91-105
- * Santos, A. C. and Rodrigues, J. (2009) Economics as social engineering? Questioning and the performativity thesis. Cambridge Journal of Economics, 33(5), 985-1000
- * Vosselman, E. (2014) The performativity thesis and its critics: Towards a relational ontology of management accounting. Accounting and Business Research, 44(2), 181-230
- * White house, I. (2002) corporate social responsibility, corporate citizenship and the global compact. University of hall, uk
- * Briers, M. and Chua, W. F. (2001) The role of actor-networks and boundary objects in management accounting change: a field study of an implementation of activity-based costing. Accounting, Organizations and Society, 26, 237-269
- * Callon, M. (1986) Some elements in a sociology of translation. Power, Action and Belief. London: Routledge & Kegan paul, 196-233
- * Callon, M. (1999) Actor-network theory- the market test. Actor Network Theory and After. Oxford: Blackwell publishers, 181-195
- * Callon, M. (2005) Why virtualism paves the way to political impotence. The Laws of the Markets. economic sociology, 6(2), 3-20
- * Callon, M. (2007) What does it mean to say that economics is performative? Do Economists Make Markets? On the Performativity of Economics. Princeton: Princeton university press, 311-357
- * Callon, M., Lascoumes, P., and Barthe, Y. (2011) Acting in a Uncertain World. Cambridge: MIT press.
- * Christensen, M. and Skaerbaek, P. (2007) Framing and overflow of public sector accountability innovations. Accounting, Auditing and Accountability Journal, 20(1), 101-132.
- * Chua, W. F. (2011) In research of successful research. The European Accounting Review, 20(1), 27-39
- * Cushen, j. (2013) Financialization in the workplace: hegemonic narratives, performative interventions and the agency knowledge worker. Accounting, Organizations and Society, 38(4), 314-331
- * Czarniawska, B. (2009) Commentary: sts meets mos. Organization, 16(1), 155-160.
- * Czarniawska, B. (2011) Performativity in place of responsibility?. Journal of Organizational Change Management, 24(6), 823-829.
- * Fine, B. (2003) Callonistics: A disentanglement. Economy and Society, 32(3), 478-484
- * Fine, B. (2005) From actor network theory to political economy. Capitalism Nature Socialism, 16(1), 91-108
- * Keevers, L., Treleaven, L., Sykes, C., and Darcy, M. (2012) Made to measure: taming practices with results-based accountability. Organization Studies, 33(1), 97-120

یادداشت‌ها

- ¹ Performativity
- ² Actant- Network
- ³ Virtualism
- ⁴ Forming
- ⁵ Postsocial
- ⁶ Simulation
- ⁷ Hyper reality
- ⁸ Cosmopolitan
- ⁹ Interactions
- ¹⁰ Reconstruction